



سال سوم، شماره ۱۱۰

پنجشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۶۰

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

نگاهی به برنامه مرحله ای "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی"

موقتی داشتن کلیه مقامات و مسئولیتها و نهاد های دوران انتقال (ماده ۵) ، شورای ملی (مقاومت) ، برای استقلال ، آزادی و جمهوری دموکراتیک اسلامی ، مرجع نهائی تصمیم گیری و اداره امور کشور طی دوران انتقال است و بر حسب اساسنامه ی خود (۴) ، اتخاذ تصمیم میکند (ماده ۶) ، ریاست کشور و جمهوری ، تا انتخابات جدید ریاست جمهوری بر عهده ی آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر است که در رأس کشور و به هیچ حزب و گروه و جمعیت سیاسی بستگی نداشته و هرگونه تحزب تحت نام ایشان ممنوع است (ماده ۷) ، مسئولیت اینحان (مساعد رجوی) نیز چنانچه بعنوان مسئول و سخنگوی رسمی شورای و جهد رمقام تشکیل دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی صرفا موقتی است (ماده ۸) .

فصل دوم
این فصل به بیان نظرگاههای اساسی و خط مشی "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" اختصاص دارد و سر خط اساسی ترین سیاستهای دولت موقت ، در ۹ بخش بیان میشود که فشرده ی این بخشهای نه گانه بشرح زیر است :

۱- مقاومت مشروع ملی و احراز حاکمیت سرزمینی (برسمیت شناختن حق تصمیم گیری و تعیین سرنوشت)

توضیح علت تأخیر
در انتشار رهائی

در صفحه ۱۵

چندی پیش (#) خبرگزار بهیاری اخباری اطلاع دادند که رجوی و بنی صدر ، دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران را در پاریس تشکیل داد مانده بر اثر محظورات دولت فرانسه در اعلام تشکیل دولت موقت در خاک فرانسه رجوی و بنی صدر ، تشکیل دولت موقت را رسماً تکذیب کردند و اعلام داشتند که دولت آنها نه در تبعید بلکه پس از سرنگونی رژیم خمینی ، در ایران تشکیل میشود . با اینحال اخیراً متن کامل برنامه ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی در سیزده صفحه ی بزرگ ، دارای سه فصل مواد و تبصره های متعدد ، با امضای مسعود رجوی بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت ، مورخ ۵ مهر ۱۳۶۰ ، بدستمان رسید .

قبل از بررسی محتوای این برنامه ، لازمست چکیده ی از متن آنرا نقل کنیم .
فصل اول
فصل اول این برنامه تحت عنوان "وضعیت موقت و وظیفه ی اساسی دوران انتقال" دارای ۸ ماده است که اساسی ترین مواد آن بشرح زیر است :
"موقت بودن دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی" و "انتقال حاکمیت به مردم ایران" (ماده ۱) ، ایجاد مجلس موسسان "از طریق انتخابات آزاد (با هر گونه نظارت و تضمین مردم) برای تعیین نظام قانونی جدید و روش قانون اساسی آن (ماده ۳) ، عدم صلاحیت ایادی امپریالیسم و ارتجاع و بقایای شاه و خمینی و نیروها و احزاب وفادار به آنها در صورتی که خود را بعنوان نامزد انتخاباتی در مجلس موسسان معرفی کنند (ماده ۴) ، صرفاً جنبه

(*) این نوشته چند هفته پیش نوشته شده بود که بدنبال تأخیر انتشار بهرعللی که در همین شماره ما اشاره کردیم ، انتشار آن به تأخیر افتاد .

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

مسلمانان راستین دقیقاً در جهت اسلام واقعی بوده و نقض عملی آنها، توسط خمینی، بزرگترین جنایات ضد اسلامی او محسوب میشود.

۵- اهمیت برسمیت شناختن محتوا و خصایص ویژهی انقلاب
در این بخش گفته میشود که "برسمیت شناختن محتوا و خصوصیات دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب ایجاب میکند که... کلیه ضوابط یا ساختار، قوانین و مناسبات اجتماعی کمپادوری و ارتجاعی ملغی و بجای آن مناسبات نوین استقلال طلبانه و دموکراتیک مستقر گردد... پس در سازمان ایران فردا، نه سرمایه داری وابسته به خارجی و نه فتودالیسم جائی خواهد داشت. (۱)

۶- تضمین پیروزی انقلاب و عدم رجعت به گذشته
در این بخش می آید که: "... هیچ تضمین واقعی دیگری برای پیروزی انقلاب جز جهت گیری و رشد ضد استثمار و وجود ندارد... و اینهم مبارزه توانمان سازندگی و آید تئوریک است... اما چنین مبارزهای در مسیر رشدی مستقل (ونه وابسته) در چارچوب محاصره ستمو استثمار میسر است که خود اجتماعاً ملازم با اتکال به اینو دهقانان و کارگران محروم ایران می باشد."

۷- نظام شورائی، متکاملترین شکل اداره امور کشور و پایداری انقلاب
در این بخش اعلام میشود که: "تضمین پیروزی نهائی انقلاب و همچنین تثبیت آزادی و استقلال پایدار کشور... گسترش تدریجی نظام شورائی در همه شئون و سازمان اداری کشور است"

۸- مفهوم رد یکجانبه و تفسیر صرفاً سرمایه داری
در این بخش "رد یکجانبه"ی رشد و تفسیر صرفاً سرمایه داری رشد، بشرح زیر توضیح داده میشود که در دنیای سرمایه داری مرسوم است که "رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی صرفاً بر اساس پیشرفت های مادی و امار و ارقام اقتصادی ارزیابی شود و از طرف دیگر،

"طرز تلقی رژیم خمینی از توسعه و رشدی که آنرا بدون هیچ پایه مادی و اقتصادی در نظر میگرفت، بسیار ارتجاعی و درمانده است و جز ناتوانی مضاعف (هم در قبال رشد مادی و هم در قبال رشد معنوی جامعه) را بر ملا نمی کند... در مقابل این دو نوع طرز تلقی از رشد، "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل را پیشنهاد میکند... طرز تلقی دولت موقت، از وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل بدین گونه است:

۹- "وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل"
در این بخش میخواهیم: "اعتقاد راسخ داریم که هدفهای برنامه ریزی مشخص تنها وقتی حاکم عمل می پاشند که برنامه در تمامیت خود طرح و اجرا شود و نه آنکه

در این بخش پس از ذکر جنایات خمینی و دشمن در رنده خولی که جنایاتش در تاریخ گم سابقه است و افشا، ماهیت احزاب و نیروهای جنایتکار دست راستی و فرصت طلب که مجموعاً "جبهه متحد ارتجاع" نام گرفته اند نتیجه گرفته میشود که:

"احراز حاکمیت مردمی از طریق دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، ارزشمندترین راهبرد مقاومت ما در لایه ملیت ایران است، راهبردی (که) به اعتقاد مسلمانان راستین، ارادهی خدا نیز در پهنه اجتماعی اساساً و تاریخیاً از طریق آن به ظهور میرسد."

۲- هدفهای تاریخی این حاکمیت و مسیر واقعی وحدت
پس از اشاره به اینکه در روزهای قبل از قیام، توده های مردم محروم ما در مبارزه علیه دیکتاتوری دست نشانده شاه، ارتجاع جمهوری اسلامی، آزادی، استقلال و عدالت و یگانگی اجتماعی را می طلبیدند چرا که آنها تحت رایت اسلام، انتظار جز این نداشتند... چنانکه پدر طالقانی نیز برحسب پیش اسلام خود بروی هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی تاکید داشت. در حالیکه خمینی در انحراف عظیم و نابخشودنی اش از مسیر وحدت بود که مجدداً تفرقه و تجزیه و بی اعتمادی در صفوف مختلف ملت را بجا آورد. این را از "انقلاب کیسیر" سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ما در مسیر هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی جاری است و صرفاً از طریق پیوند زدن گذشته مبارزاتی ملت ایران با آینده سبید بخش و سازندگان متحقق میشود.

۳- "نجات ارباب های اصیل و ترقیخواهان ملی و مبنی
در این بخش در آغاز "به انهدام و سرکوب ارتجاع همه ارزشهای اصیل و ترقیخواهان ملی از جانب خمینی اشاره میشود که: بارزترین نمود این حقیقت را میتوان تخفیف و توهین به پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و الگوسازی مرتجعین قهار چون شیخ فضل الله و کاشانی که بکرات از جانب خمینی تکرار شد، باز یافت... و سرانجام نتب گرفته میشود که: به اعتقاد مسلمانان واقعی، ایرانیت و ملی گرائی ترقیخواهان دقیق در خدمت آرمانهای رهائی بخش مردمی اسلامی است."

۴- محتوای ملی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب
در این بخش، پس از اشاره به اینکه "از فردای انقلاب ۲۲ بهمن، کلمه والا و برانگیزنده های انقلاب همچون بسیاری کلمات دیگر به بالاترین درجه توسط مرتجعین حاکم به ابتدال کشانده شد و نیز اشاره به اینکه اساسی ترین شعارها و خواسته های عموم مردم در زمان شاه، در زمان خمینی نیز پراورده نگردید" اضافه میگردد که: "بنابراین، وفاداری بهمان عام ترین انتظارات تمامی ملت ایران از انقلاب ۱۳۵۷، خصوصیات انقلاب آزاد بخش و استقلال طلبانه را عیناً ملغی و دموکراتیک و ضد امپریالیستی تعریف میکنیم، خصوصیاتی که به اعتقاد

تاریخی، اقتصادی، فنی و هنری و فرهنگی آنها نیست، بنا بر این

"بخصوص با یستی حساب و برزای برای تفاسلات مردم و نیروهای واقعی د موکراتیک کشورهای صنعتی باز نمود یعنی برغم سیاست عوامفریبانه و فرمالیستی خمینی، ما نمیخواهیم و نمیتوانیم از دنیا پیروا مون خود منزوی بسر ببریم" آزادی اختصاص دارد . . . در آغاز مفهوم کلی آزادی از نظر د ولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی بیان میشود و اضافه میگردد: این آزادی نه یک ترفن بلکه ضرورت اجتماعی ناپذیر انقلاباتی از قبیل انقلاب ماست

ولی از یکطرف طبعا با ولنگاری بورژائی اساسا مغایرت دارد و از سوی دیگر، در همه روابط اجتماعی و سیاسی، وفاداری و اعتقاد د موکراتیک ((۴۱)) را چنانچنین اعمال قهر میسازد. د ولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی "درخصوص آزادی

"موارد زیرین را با ایجاد امکانات اقتصادی - اجتماعی تضمین میکند: الف - آزادی کامل عقیده و بیان و منع هر گونه سانسور و تفتیش عقاید ب - آزادی کامل مطبوعات، احزاب، اجتماعات جمعیتهای سیاسی و نیز اتحادیهها و انجمنها و شوراهای و سندیکاها و مختلف به استثنای احزاب و دستجات ضد انقلابی وفادار، شاه و خمینی. این آزادی تا مرز قیام مسلحانه بر علیه نظام مشروع و قانونی کشور، هیچ محدودیت اصولی ندارد.

ج - پذیرش حق انتقاد در کلیه سطوح و مشور لایتهای کشوری و لشگری و غیره د - انحلال دادگاههای نظامی و فوق العاده (چه از نوع پیدادگاههای شاه و چه از نوع محاکم ضد انقلابی خمینی) و رسیدگی به جرایم سیاسی مختلف در محاکم عادی یا حضور هیأت منصفه و برخورداری متهم از هرگونه حق دفاع و انتخاب وکیل و داد رسی مجدد ه - منع هر گونه شکنجه بهر عنوان

و امنیت قضائی و شغلی تمام احاد مردم، انحلال گمتهها و پاسداران د پیکتتوری خمینی. بخش سوم مربوط است به شوراهای مردمی. د رایین بخش پس از تاکید بر تلاشهای پیدر پیوسته برای د ر این زمینه، هدف شوراهای مردمی بدین گونه توصیف میشود:

"د ولت موقت طرز کار شورائی را در دو سطح عملی خواهد نمود:

اول - شوراهای تصمیم گیرنده در زمینههایی که مانند اداره امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانسور از خارج شورا ندارد.

"همچون حکمرانان رژیم خمینی هر آنچه را که مصلحت روز باشد، اجرا نمود از این احکام درست، نتیجه گیری نادرست زیرا که بعدا به آن خواهیم پرداخت) ارائه میشود که بنا بر این ما

هرگونه مثله کردن و ازجا معیت انداختن برنامهمه حاضر (برنامه د ولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی که در فصل سوم عنوان خواهد شد) را محکوم می کنیم.

فصل سوم
بخش توضیحات فراوان و مواد و تذکرات متعدد است. این فصل تحت عنوان "مواد برنامهی مرحلهای" د ولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی، اساس و چارچوب برنامهی "د ولت موقت" را تشکیل میدهد که در زیر خلاصهای از اولین بخش به بحث استقلال اختصاص دارد که دارای عمده و تذکر است. در مقدمه این بخش از جمله آمده است که استقلال بعنوان نخستین د پس انقلاب ما "بشمار میرفت ولی بدلیل سیاستهای ارتجاعی خمینی، ما نه تنها پس از سقوط نظام سلطنتی از بسیاری جهات مستقل تر نشدیم بلکه بگفتهی رئیس جمهوری د کتر بنی صدر، وابستگیهایمان نیز افزایش یافت. در مواد شش گانهی این بحث، از قطع همهی روابط اسارت بار امپریالیستی، اعمال کامل حق حاکمیت ملی بر جمیع منابع طبیعی و ثروتهای ملی بویژه نفت، خروج از تک پایی اقتصادی. از طریق توسعه و رشد کشاورزی و صنایع ملی، ملی کردن تجارت خارجی، قائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره احیای صنایع ملی ((۴۱)). در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی روستاها سخن بمیان می آید. بحث استقلال همچنین دارای سه تذکر است:

تذکر اول د ولت موقت، سرط پیداری و بازار ملی، مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه گذاری مردمی را می پدیرد. شروط برای نه ایجاد نامحدود و وابسته ساز. . . . پیداشکنند. در تذکر ۲ پس از ارائه تضمین "در قطع هر گونه تحملات دولتی و شهرداریها به کسبه جز" تولید کنندگان د خرد و یا و بکلی ممنوع کردن رسومات ارتجاعی همچون شلاق زدن کسبهی جز توسط رژیم خمینی، اضافه میشود: اتحادیههای صنفی بدون تصویب شورا یا بازار و اتحادیههای صنفی، کسبهی جز را بهیچوجه نمیتوان به پرداخت وجه مالیاتی برخلاف رضایتشان وادار نمود.

تذکر ۳ - استقلال و ضدیت با امپریالیسم به مفهوم ضدیت با کشورهای صنعتی د تجمیع خارجی "عائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره احیای صنایع ملی ((۴۱)). در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

دوم شوراهای مشورتی (که نیاز به اعمال مرکزیت و سانسورالسم از خارج از کشور دارد) با اختیارات کمتر که یا صرفاً نقش مشورتی داشته و یا فقط حق وتو و یا قی‌المثل حق لغو انتصابات، مدبران یا فرماندهان مربوطه را دارند.

البته مضافاً اعلام میگردد:

"... دولت موقت اجازه نخواهد داد که شوراهای و همچنین سایر مجامع انتخابی، مصنوعی و اعمال خدعه و تقلب، آلت فعل هیچ گروه، حزب، سازمان و حتی دولت حاکم گردد.

بخش چهارم اختصاص دارد به تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران در این بخش می‌آید:

"اصل حاکمیت مردم ایجاب میکند که آراء عمومی کاملاً محترم شمرده شود و اضافی میگردد:

اگر چه حقایق علمی و فلسفی هیچگاه تابع رای گیری دموکراتیک نیستند.

در این بخش، بر روی تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی همه‌ی افراد ملت و لغو امتیازات جنسی و قومی و عقیدتی" تکیه میشود ولی

"با این تأکید که بنیان نمودن فرصت طلبانه‌ی عقاید و افکار برای جلب تقلب‌آمیز نیز به شدت محکوم است و اضافی میگردد:

"باید تذکر داد که به اعتقاد ما مسلمانان الفاء تبعیضات سیاسی و اجتماعی در میان تمام احاد ملت به هیچوجه بمناسبت صرفنظر گردد از حقانیتی نیست که برای اسلام محمدی قائم است به این دلیل مبرهن روز که

"دقیقاً برخلاف خمینی... ما عمیقاً معتقدیم که شکوفائی واقعی اسلام در عدم استفاده از هیچ گونه تبعیض و امتیاز و اجبار سیاسی و اجتماعی میسر است."

بخش پنجم مربوط به "حقوق ملیت‌ها" است.

در این بخش گفته میشود:

خود مختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و متفرعات ملی و وطنان و تأمین جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت و حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کشور ضرورت جدی دارد. بنحیون تأکید در مورد کردستان، اضافی میشود:

دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی همچنین تلاش خواهد کرد تا قومیت محلی (مثلاً کردستان) را با احقاق حقوق حقه آن، بصورت بخشی از ملی گرائی ترقیخواهان‌ی تمام ملت ایران تثبیت نموده و آیند را برای همیشه از تعارض با یکدیگر خارج سازد...

بخش ششم به ارتش جمهوری دموکراتیک اسلامی

درباب "آزادی رای" نمایندگان مجلس

وقتی دولتی انهدام موجودیتش را به

رای‌المین می‌بیند و با ضرب شلاق و زندان و اعدام و ۳- و خلاصه ددمنشانه‌ترین وسایل در صدد حفظ موجودیتش برمیآید به تناقض‌گویی‌های فاحش می‌افتد. این تناقض‌گویی‌ها ابعاد وسیعی را در بر میگیرد و اجتناب از حرافتی خود وسیله‌ای است برای تناقض نگفتن.

ما در زیر به یک نمونه کاملاً آشکار - مشت‌آخورها - از این تناقضات که به عیان هر دو در یکروزنامه و حتی در یک صفحه از روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، این ارگان سیاه‌دلان فاشیست جمهوری اسلامی، چاپ شده‌اند اشاره می‌کنیم. جالب توجه این است که این درافشانیه‌ها (از جانب دو تن از کسانی که خمینی مفتخرأ ادعای بزرگ کرد نشان را دارد صورت گرفته است.

رفسنجانی، مرد شمارهای دو جمهوری اسلامی، جانی خوش‌خطو خالی که از انقلابیون سوای‌کینه‌ی طبقاتی کینه‌ی شخصی چندساله نیز دارد در خطبه بی‌سروته دوم نماز جمعه ولایان ما ماش میگویی:

من می‌بینم که بعضی از اعضای حزب جمهوری (بهولایتی) رای مخالف دادند و یعنی توی حزب ما به عضو حزب نمی‌گوشیم که شما هر چه دبیروکل حزب می‌گویید و یا شورای حزب گفت (بگوشید))، از اد آزاد، ملکیت آزادی (است)... بسیاری از این نمایندگان که با اعلامیه‌های حزب جمهوری و حمایت

حزب جمهوری گانندید شده بودند و پیروز شدند رای خلاف دادند و حقشان بود ((طبق)) تشخیصشان عمل کنند. درد روزن این جمهوری این طوری است.

پس از آنجا که "ملکیت آزادی" است نمایندگان نمک پروردی حزب حقشان است که مطابق تشخیصا عمل کنند.

این که در نمایش خیمه شب بازی بنا به مجلس شورای اسلامی تا اینقدر آزادی است که حتی بورژواهای ورشکسته و بی‌لیاقت و زبون و بی‌آزاری مثل بازرگان کله و شکایت‌ها دارند و اشک‌ها می‌ریزند و غیبت‌ها میکنند، بماند، آنچه شنیدنی است جمله‌ای از نطق کوتاه رئیس جمهور فوق‌الذکر میباشد:

"من این اقدام شجاعانه‌ی مجلس (درد و ولایتی) را ستایش میکنم و معتقد هستم که این شجاعانه‌ترین اقدامات مجلس بوده است. (همانجا)

جل الخالق که نمایندگان مجلس انقدر دست‌آموز و بی‌بخار و آبله هستند که در ملکیت آزاد صحبت کرد نشان شجاعانه‌ترین اقدامات محسوب میشود و یا اینکه تصویری که از ملکیت آزاد "در آذهای کورشان متصور است مانند چیزهای دیگر انقدر آوازه‌گوشه است که به حق نیاز به اقدام شجاعانه دارد برای نمایندگان - رئیس مجلس

و تجدید سازمان مردمی ارتش بمطابق "جندی
ترین ضرورت‌های بقا کشور و تکمیل انقلاب اختصاصی
دارد. و این تجدید سازمان، پیوسته در جنبه‌های
خواستهای پرسنل ملی و مردمی ارتش نیز بود ماست."
و

"مهمترین خصوصیات ارتش جمهوری دموکراتیک
اسلامی به قرار زیر است:
الف- انضباط پولادین آن آگاهانه است و نه
کورکورانه

ب- روابط درونی آن در عین حفظ سلسله مراتب
دموکراتیک است. . . .
ج- در ارتباط با اقسام مختلف مردم قرار دارد و
ضمن هر عهده داشتن آموزش نظامی تمام مردم،
خود نیز حتی المقدور در مبارزه تولیدی و سازندگی
کشور شرکت میکند.

د- سطح دانش و کارآئی نظامی و سیاسی خود را
پیوسته از طریق دانشکده‌ها و اساتید نظامی
خود بالا میبرد.

ه- برای قطع وابستگی تسلیحاتی تا سرحد
امکان فنون و صنایع نظامی داخلی را تا مرز خود
کفائی دقایق کشور افزایش میدهد.
بخش هفتم مربوط است به سیاست ارضی و مسائل
روستائی، که نخستین قدم عاجل برای نجات
کشاورزی، یک اصلاحات ارضی ریشه‌ای است و در
این رابطه، مضمون عمل ما بطور اصولی این خواهد
بود که زمین متعلق به کسی است که روی آن کشت
میکند. در موارد اساسی این بخش در ده ماده
بشرح زیر ذکر شده است:

الف- تأمین حداقل تکنولوژی و وام‌های بدون
بهره برای دهقانان نیازمند و تأمین آب کافی و
تصحیح نظام آبیاری
ب- گسترش سطح زمین‌های زیر کشت و احیا و فعال
نمودن اراضی قابل کشت در سراسر کشور
ج- توسعه اشکال دستجمعی بهره‌برداری از
زمین . . . مشروط بر توافق اختیاری دهقانان . . .
د- ایجاد تعاونی‌های دهقانی و تقویت روحیه‌ی
جمعی و شورائی کشاورزی
ه- صرفنظر کردن از دهقانان تهیدست
به مراجع دولتی و مالکان بزرگ و رباخواران و لغو
مالیات امور زراعی آنها
و- تربیت کادرهای آموزشی و معلمین کشاورزی و
تعمین سمت آینده‌ی تکامل سازمان کشاورزی
بطور دستجمعی

ز- سازمان دادن کارگاه‌های کوچک روستائی برای
جذب بیگاران روستائی و بکار انداختن همه‌ی
نیروهای مولد روستا
ح- تأمین مسکن برای روستائیان از طریق
ایجاد شرکت‌های مناسب روستائی با خدما ضروری
به منظور ممانعت هرچه بیشتر مهاجرت به شهرها.
ط- تأکید بر بیمه و درمان روستائی و گسترش شبکه
گاز و برق و راه‌آهن و جاده‌های ارتباطی در نواحی
روستائی

ی- قطع هر گونه واردات خارجی در امر کشاورزی
و دامپروری برای تشویق تولید داخلی مگر به
منظور تأمین کسر تولیدات داخلی
برنامه دولت موقت در بخش هشتم خود، در
نه ماده به حقوق کارگران می‌پردازد و اظهار
میدارد که:

"دولت موقت، نکات زیر را رعایت خواهد نمود:

الف- لغو کلیه مقررات ضد کارگری
ب- سهم کردن کارگران در اداره کلیه
صندوق‌ها و بانک‌های مختلف کارگری و حتی المقدور
سپردن این مراکز به خود آنها
ج- برسمیت شناختن حق اعتصاب و هرگونه
اعتراض سالم‌آمیز دیگر با اعلام قبلی

د- لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه
و امثالهم از دستمزد کارگران و تأمین تدریجی
هزینه‌های ضروری نظیر بیمه و بازنشستگی
ه- لغو کلیه مطالبات پیشین از کارگران
محروم در کلیه زمینه‌ها
و- تلاش برای تأمین مسکن، حمل و نقل بهداشت
برای همه کارگران و تهیه ((غیر مجانی))
شیرخوارگان و کودکان برای فرزندان آنها و حق
تقدم تحصیل مجانی در دانشگاه و مدارس عالی

ز- افزایش تصاعدی حق‌السهم کارگران از
سود کارخانجات نسبت به افزایش سود
کل ((کارفرما))

ح- تأمین آموزش حرفه‌ای و فنی برای کارگران
غیر متخصص

بخش نهم برنامه به آموزش، تحصیلات عالی
و فرهنگ اختصاص می‌یابد. در این بخش، پس
از شرح جنایات خمینی و خصومت او با فرهنگ
ملی تحصیلات عالی و دانشگاه‌های کشور که اثر
خصومت با ساواک شاه بیشتر بود، اظهار میشود:

"به اعتقاد ما مسلمانان، عظیم‌ترین
زیان خمینی متوجه فرهنگ‌دراستین اسلام
محمدی و علوی شد ماست که با بستن با ترویج
حقایق اسلام انقلابی، هر چه زود تر آثار
ویرانگر جنایت خمینی را در میان مسلمانان
جهان پیرویه ایران، زده‌د.
دولت موقت، در زمینه آموزش، تحصیلات
عالی و فرهنگ،

فعلاً موارد زیرین را بر عهده میگیرد:
الف- استقلال کامل دانشگاه‌ها و مدارس
عالی و ادارای آنها تحت نظر شورای
دانشگاه‌ها

ب- تلاش برای ریشه‌کنی بیسوادی و آثار
جاهلیت گسترده رژیم‌های شاه و خمینی

ج- خارج کردن سازمان و تأسیسات ورزشی
کشور از یک وضعیت لوکس برای اشاعه دسته
بقیه در صفحه ۹

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه‌دار

ترك عادت موجب مرض است

حزب توده و جناح "واقع بین"

بمسئول و جاب زهر از پرسش و پاسخ ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۰ گذران نورالدین کیا نوری بر حسب ماد ت به توجیه سیاستهای ضد انقلابی حزب طراز نوین اسلامی توده لادر دفاع از رژیم فاشیستی خمینی پرداخته توجه کنید

س در خبرهایی از اروپا رسیده گفته شده است که رفیق اسکندری ضمن مسافرتهاى خود به کشورهای اروپائی در گفت وگوهايش مواضعى اتخاذ ميكند كه با سياست حزب هماهنگى ندارد و مجله اى به نام "المجله" كه وابسته است به عربستان سعودى و در لندن منتشر ميشود، اخيرا در مقاله اى از تماسهاى رفیق اسکندری با على امينى صحبت كرد هاست. نظر رهبرى حزب در اين مورد چيست ؟

ج : اين موضوع در رهبقت سياسى بررسى شد و براى رفع ابهاماتى كه ممكن است اين مسائل در مورد سياست حزب در افكار عمومى ايجاد كند، قرار شد توضيح لازم داده شود. هما نظر كه فقط اى حيزى قطعاً ز مجموع برخورد هاى سال هاى اخير رفیق اسکندرى اطلاع دارند، اختلاف نظر رفیق اسکندرى با سياست حزب مربوط به دوران اخير نيست از پيش از انقلاب با سياستى كه رهبرى حزب در مجموع خود اعلا زكرده بود، اختلاف نظر جدى داشت. ولى پس از بحثهاى مفصل در رهبرى حزب بالاخره او در پيلنوم شانزدهم به نظر مجموع رهبرى حزب تمكين كرد و به تمام اسناد پيلنوم شانزدهم و از ان جمله به تحليل حزب در باره انقلاب ايران، به موضوعى حزب در قبال ساير نيروهاى انقلابى ايران و به خط حزب در پشتيبانى از سياست ضد امپرياليسمى و مردمى اما مخيمى راى مثبت داد. ولى پيروى او از اين راى مثبت زياد طول نكشيد. رفیق اسکندرى پس از اينكه به ايران آمد، در ان مصاحبه جنجالي با مجله تهران مصور كه مورد اعتراض شد يد رفقاى حزبى قرار گرفت باز هم همان نظريات خود را كه خلاف مواضع حزب بود، مطرح كرد. ولى سپس در بحثى كه با خود را تا مدت ها داد. اشتباه خود را پذيرفت و خواست كه در اين مورد رهبرى حزب تصميم بگيرد.

رهبرى حزب با تفاق آرا، با پشتيبان طر ح شده از طرف خود رفیق اسکندرى در باره اينكه فعلا ز ايران خارج شود و فعاليت سياسى نداشته باشد و به فعاليت فرهنگى، به ترجمه آثار ماركسيستى و غيره بپردازد، موافقت كرد. البته او را از تركيب هيئت سياسى كنار گذاشت. اين تصميمات در پيلنوم هفدهم با تطبيق آرا بنا رفقاى شركت كننده در پيلنوم مورد تا عيد قرار گرفت و قرار شد كه رفیق اسکندرى همچگونه فعاليت سياسى انجام ندهد. اخيرا اطلاع رسيد هاست كه رفیق اسکندرى به از همان مخالفتهاى خود را با خط اساسى سياست حزب اعلا ز كرد هاست. به اين جهت من ما موريت دارم از طرف رهبرى حزب رسماً اعلام كنم كه اين عمل

رفیق اسکندرى به هيچ وجه با سياست حزب مطابقت ندارد، مان و انان دست مى دانم. و محكم مى كنيم وضعا اميد و اريم كه او در اين زمينه زياد از حزب دور نشود. در غير اين صورت به تناسب آنچه كه راينده انجا ميگردد، حزب حتما تصميمات جديدى در اين باره خواهد گرفت. ضمناً از هم اکنون بطور صريح اعلام ميكنيم كه اگر رفیق اسکندرى در رهبرى حزب و رهبرى خودى، هر انحرافى از خط روشن نشان دهد، صرفاً مربوط به شخص خود است و هيچ گونه نمايندگى ز سوى حزب و سخنگوى حزب را در هيچ جا به عهده ندارد.

كيا نورى به شيوه اى ما كيا ولىستى وسى و چند ساله خود با زيا صل مسئله كه تماسهاى رفیق اسکندرى با على امينى است پرداخته و سخن از اختلاف نظر جدى اسکندرى با سياست حزب به ميان مى آورد و اينكه با وجود اين كه اسکندرى به نظر مجموع رهبرى تمكين كرده و بعد هم خود را نادم نشان داده است

تمكين انادم ! كيا نورى، چه روشن و دقيق واقعيت درونى حزب تا مفر استخوان منحط و خائن توده را با اين كلمات به ناپس ميگذارد. بحث حتى در اين حد نيست كه فردى با وجود داشتن نظر مخالف خود را ملزم به اجراى نظر اكتريت دانسته است. تمكين كرده است. از خود انتقاد نكرده. خود را نادم نشان داده است. روشن است كه اين سواى زمينه چينى براى مطلب بعدى، خطايب به تمام اعضاى حزبى است كه ما با زمانى ديگر انديشى به مصلحتهاشان خطور كند. چه، اگر در گذشته به كمك برادر بزرگتر اعضاى خاى را به سببرى يا به ايران رژيم شاه ميفرستادند (مثل سروان قبادى كه در مرز تير باران شد) . اکنون هم ميتوانند آنها را تسليم د رژيمان جمهورى اسلامى كنند.

بگذريم، قصد در اينجا افشاى ماهيت واقعى تشكيلات ضد انقلابى اين حزب نيست مسئله در اينجا است كه مطابق معمول واقعاى از طريق كانالهاى غير حزبى و اين بار از طريق مجله اى ناشناس المجله روشده و دست حزب توده را در پست گرد و گذاشته است. براى روشن تر شدن ما چرا كمي به عقب باز ميگرديم. حزب توده معتقد بود : برخى از محافل ((۲)) نيز كه تا كنون نظير مشيتى نسبت به رژيم ((شاه)) داشته اند، ز سياست ما چرا جوانهاى داخلى و خارجى ان نگرانند (دنيا و شماره ۲۸ ارد بهشت ۵ صفحه ۲۷) . و سپس در صفحه ۲۸، و در واقعيت امر به همان محافل اطمينان ميدهند كه " شعار سرنگونى رژيم را تاكتيكى" ميداند.



ایران و مطبوعات جهان

"وقتی که ما مسئله‌ی جمهوری دموکراتیک (اسلامی) را پیش می‌کشیم، توجه ما از نوع دموکراسی غربی نیست شرایط تاریخی و فرهنگی ما در اساس با هم مخالفند... دموکراتیک برای ما به این معناست که ما دیکتاتوری ارتجاعی را نمی‌پذیریم." روحی اظهار می‌دارد:

"پایه مجاهدین را اساساً کارگران و مستضعفان تشکیل می‌دهند... اما نهان مستضعفانی که کمین‌های صحبتش را میکند... علاوه بر اینها در حال حاضر تمام قشرهای دیگر جمعیت، حتی تجار بازار، از ما حمایت میکنند."

روزنامه‌های براسیون از قول دیپلمات‌های غربی تهران می‌نویسند: "تعداد اعضا مسلح مجاهدین بین ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر وجود دارد... ۵۰۰ هزار هوا دار است." وقتی که خبر کار روزنامه‌ها این مطلب را با رجوعی در میان می‌کند، او فقط جواب می‌دهد: "میلوسها نفر هوا دار."

خبرنگار لیبراسیون می‌نویسد:

"تشریح حال تعدادی از کشورهای عربی، در حال تغییر سیاست‌شان در مورد ایران می‌باشند. زیرا که مجاهدین را به اندازه کافی قوی می‌بینند. میدانیم که سازمان ا.ا.د. یحیی فلسطین، هاشمی الحسین، مشاور بزرگ عراق، از بزرگ‌ترین روحی فرستاد. با اینکه برخی از کشورهای عربی تماسهای مخفیانه‌ها ترخیص می‌دهند، با اینحال این روزها، اسب‌پوشرهای دیپلماتیک بسیاری در اطراف "اور - سور - اواز" (محل اقامت روحی بنی‌صدر) چشم‌هم‌چورد. اگر مطبوعات رسمی لیبی از شروع حمله علیه رژیم خمینی خود داری میکنند با اینحال روزنامه‌ها و مجلات طرفدار لیبی، سدد رژیم‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند... برای انحراف، که معیار عدم در حالت در امور داخلی ایران به معنای "حفظ رابطه با تمام طرفهای دعوا" است، نبوی خود، به میزان زیادی برای "عامل مجاهدین" حساب میکند. مصافا آنکه الحاریر حافظ مناصب ایران در آمریکا است، و لازم است که بدانند در صورت بازرس دادن اموال ایران آنها را باید به حکمی تحویل دهد. چند روز پیش، یکی از دیپلمات‌های معروف عرب دربارین بمبا میگفت: "خمینی بخاطر حاد بهار هنوز با برجا مانده و این حادثه در حال حاضر، او را سه حمایت مردم مبطض می‌سازد اما این وضعی خندان بطول نخواهد انجا مید و آن تصویر، در هم شکسته خواهد شد. این در هم شکستن تصویر او، هر چه خمینی در داخل و در سطح بین المللی بیشتر مرتکب خطا شود، سریع‌تر صورت خواهد گرفت."

■ روزنامه‌ی فرانسوی لیبراسیون در شماره‌ی مورخ ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور ۶۰) مقاله‌ای چاپ کرده است تحت عنوان "روحی با کردها به تفاهم رسیده این مقاله حاصل گفتگوهای است با مسعود رجودی که در زیر سمت‌هایی از این مقاله را نقل میکنیم. رجودی در مورد تظاهرات مسلحانه خیابانی (اکتوبر ۱۹۷۹) می‌گوید: "ما به این تظاهرات، آغاز مرحله‌ای جدید در مبارزه است."

رجودی که ابتدا باید حوترور و وحشت را در هم شکست. و ما در آن موفق شدیم. از ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد)، تاریخ عزل قطعی بنی‌صدر در ایران تظاهرات در ایران وجود نداشت... ما دوباره حیوانات را بدست آوردیم و خلق، امکان‌شان را با رضای حق، را باز یافته است (۱). همه‌ی پنهان‌نشان است که با بان کار خمینی نزدیک است. الا تساهل‌هایی که مطرح است، تاریخ رفتن است. شورای ملی مقاومت از تمام کارگران خواسته است که دست به اعتصاب عمومی بزنند. براداران ارشد، ما فعالان در بیشتر عملیات مقاومت شرکت دارند از جمله در حمله مقرر اسد اراک.

خبرنگار لیبراسیون از رجودی می‌پرسد: "با اینکه ایران در حال جمهوری اسلامی از پیشرفت‌ها چگونه است که رژیم خمینی هنوز با برجا است؟" رجودی جواب می‌دهد:

"بعثت خمینی، فقط بعثت خمینی." و اضافه میکند:

"خمینی همواره در دسترس خبر و مفاومت قرار دارد و وحشت نمیتوانست کارش را یکسره کند. اما مسئله‌ی اصلی ما فهماندن این موضوع است که هر اا مسئول تمام وقایع است... ما میخواهیم خمینی را جلودادگاه ببریم و از او پرسیم خدا چه وقت از او خواست که دست‌های همه جنایت‌بازان بزند."

رجودی در مصاحبه‌اش با لیبراسیون از علاقه‌ی خاص خود به مفهوم "دموکراسی سخن می‌گوید و به عنوان مدرك، عنوان "جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران" را ارائه می‌دهد و این همه، مانع از طرفداران جمهوری (غیر دموکراتیک) اسلامی، اضافه میکند:

لیبراسیون سپس به کفرانین جبهه پایبنداری اشاره میکند و می‌نویسد: "حضور نمایشی وزیرخارجان به هنگام گشایش کفرانین جبهه پایبنداری، موجب عصیانیت شرکت کنندگان در کفرانین گردید. بنظر می‌رسد که الجزایر و سازمان آزاد بیخوش

همچنین اعلام داشت که مذاکرات برای حل اختلافات ناشی از این تصمیم به عهده هیأتی محول گردیده است.

ادامه مقاله لوموند، از ریگاری و عوامفریبی رژیم جمهوری اسلامی در تصمیم به اصطلاح برای قطع وابستگی پرده بر میدارد:

چند ماه قبل (از این تصمیم)، کمپانی های خارجی (ایتالیا، ژاپنی، فرانسه، هندی) از استخراج نفت ایران خودداری کردند و در نتیجه، تصمیم اخیر ایران، جز صحنه گذاشتن بریک عمل قبلا انجام شده چیز دیگری نبود. از طرف دیگر، (مذاکرات برای حل اختلافات)، بنظر کارشناسان، به معنای درخواست ضمنی مصالحه (با کمپانی های خارجی) و بیشتر از آن، بازگذاشتن در اشی و سازش در لحظه ایست که صنعت نفت ایران، با مشکلات فراوانی دست به گریبان است. در واقع میانگین صادرات نفت ایران در ۶ ماهه اول سال ۸۱، از هفتصد هزار بشکه در روز تجاوز نمیکند و این در حالی است که بودجهی کشور جهت مقابله با مخارج جنگی، براساس فروش دو میلیون و پانصد هزار بشکه نفت در روز پایه گذاری شده بود. این وضع در هفته های اخیر، بیشتر روبه وخامت گذاشته است. قیمت بالای در خواستی میتواند یکی از دلایل به فروش نرفتن نفت ایران باشد، بدون شک، مشکلات فنی در مناطقی نفتی، در این امر، تأثیر بسزایی دارد.

یکی از خبرنگاران تلویزیون "بی بی سی" در ویناژت خارج گفت:

وقتی که بنی صدر توسط رقبا مذهبی خود از کاخ برکنار شد، طراحان سیاسی امریکا - هر چند این گفته عجیب بنظر میرسد - نفیس را حتی کشیدند، زیرا که یک عنصر ضعیف از گردونه سیاست ایران خارج شده بود. اما وقتی که در جریان بمب گذاری، حزب جمهوری اسلامی، ایتالیه بهشتی، حاشین خمینی، کشته شد، طراحان سیاسی امریکا - امید شدند چون بهشتی رهبر نیرومندی بود.

در شماره های گذشته های، در همین صفحات عاریتی از مصاحبه با دکتر امینی، سرسب سرده ای امریکا با روزنامه لوموند مورخ ۱۳ اوت ۸۱ را نقل قول کرد بودیم که قیقا همین حرف را زده بود. ما بهی تأسف است که بهشتی کشته شد، چون پسر حال، مردی باهوش بود. در حین بهشتی تیری از حزب توده، که مونیست راهها مانورهای حساب شده از بین میرد.

خبرنگار "بی بی سی" می افزاید:

نظریه و اشتباهات تحت تأثیر این امر قرار دارد که ایران تنها مانع بر سر راه شوری برای رسیدن به جاهای نفت خلیج فارس است. بنابراین هر سالهای که حکومت (فعلی) ایران را تقویت کند - حتی اگر ما از بقیه رصفهی ۱۴

فلسطین از حضور موسوی که توسط لیبی - دعوت شد مهود بچند آن خشنود نبوده اند، با اینحال کشورهای جبهه های پایداری موقعیت را مغتنم دانستند تا توضیحات او را در مورد اوضاع ایران بشنوند. وزیر خارجهی لیبی آن که با نیت جلب حمایت جبهه پایداری آمده بود سعی میکرد طوری حرف بزند که لیبیا بی هادوست دارند بشنوند، خطب های متعددی مرتکب شد. تأکید خبر خریده اسلحه از اسرائیل توسط رژیم تهران یک هفته قبل از کنفرانس جبهه پایداری، چیزی نبود که به رو برافشادن وضع کمک کند.

فعلاً کشورهای عرب، بویژه الجزایر، روابط - شان را با رژیم گم حفظ کردند و میگویند "مجاهدین نمیخواهند با برآنداختن حمام خون بقدرت برسند و با آخره روزی نیاز به افراد جدیدی برای خارج شدن از این بن خواهیم داشت".

لیبراسیون که ز مخاطب خود، "دیلیمات عرب" (شاید الجزایری) پرسیده بود: "این حرف به معنای این است که هیچ چیز بدون مجاهدین ممکن نخواهد بود".

جواب شنید که:

"انها تنها موفق نخواهند شد".

وقتی خبرنگار لیبراسیون حاصل این گفت و شنود را با میعود رجوی در میان گذاشت، رجوی پاسخ داد:

"واقع اخیر، نیروی واقعی ما را نشان داد. ما در هیچ گونه سازی (بازریم) شرکت نخواهیم کرد. ما با استدلالها آشنا هستیم، استدلالهایی که میگوید: ما قادی به اداره ی کشور نمی باشیم. در هر حال ما با ندادن شاه و خمینی، اوضاع را خراب نخواهیم کرد. ما مردم خودمان را آنطوریکه آنها در کردستان کردند، بهبازار نخواهیم کرد.

لیبراسیون اضافه میکند:

از مدت ها قبل، موضوع توافق های کردها و مجاهدین شنیده میشد. این امر اکنون تحقق یافته است. هفته ی گذشته، برای اولین بار یکی از نمایندگان حزب دموکرات کردستان لیبی برای دیدن رجوی به اور - سور باور آمد.

خبرنگار لیبراسیون می نویسد، انجام این ملاقات توسط رجوی مورد تأکید قرار گرفت و اضافه کرد که:

"من به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت به او (نماینده حزب دموکرات کردستان ایران) اطمینان داد که ما خود مختاری کردستان در چهار چوب حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران، موافقت خواهد شد. با قای بنی صدر هم این اصل را می پذیرند".

لوموند در ۱۰ سپتامبر نوشت:

وزیر نفت ایران در ۸ سپتامبر اعلام داشت که گلبی قرار داد های فنی مربوط به تولید و استخراج با کمپانی های خارجی که در رژیم سابق منعقد شده است، ملغی شده است. او

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

نگاهی به ...

بقیه از صفحه ۵

جمعی و سراسری ورزش ...
د - حفاظت از آثار باستانی - موزه ها و
موراثت تاریخی
ه - ترویج ادبیات و هنر و آثار، مستقل
و مردمی
و - جذب مغزها و هموطنان متخصص در
خارج و داخل کشور و عودت از آنها برای خدمت
به مردم میهن شان ...
بخش دهم به برابری سیاسی - اجتماع - زن
و مرد اختصاص دارد :
"دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران بر
تلاش به منظور تأمین کامل حقوق تمامی زنان
کشور، دفاع از هر فرد متساوی و محدودیت
بهره گشایی طبقاتی، تأکید میکند"
و اضافه میکند که :

"برخورداری از حقوق سیاسی و اقتصادی
و اجتماعی متساوی، برخورداری از دستمزدهای
در برابر کار مساوی با مردان، برخورداری
از امتیازات ویژه زنان در حین کار
و ممتازات همه رها ئی از دستمزد تاریک ارتجاعی
و تلقی کالای سرمایه داری از خصوصیات
این عصر جدید رها ئی است
بخش یازدهم مربوط است به تأمین رفاه اجتماعی."
در این بخش پس از اشاره به اینکه
برخلاف رژیم ارتجاعی خمینی، دولت موقت
جمهوری دموکراتیک اسلامی بر این نیست که
مردم انقلاب کردند تا از هیچگونه رفاه و
تأمین اجتماعی برخوردار نباشند ...
عکس، به اعتقاد ما تأمین اجتماعی نیاز -
ها را لازم مادی، خود ضرورت شیوه های نیا زها
و انگیزه های متعالی است ...

اضافه میشود که دولت موقت جمهوری دموکراتیک
اسلامی "بهر حال در این رابطه برای دستیابی
به موارد زیرین تلاش خواهد کرد :
الف - مهار کردن هر گونه هرج و مرج و عوامل
مخلل آسایش و امنیت اجتماعی
ب - ملی کردن طب و بهداشت عمومی و به
خصوص گسترش شبکه بهداشتی و روستایی
ج - گسترش بیمه های سراسری در رشته های
مختلف (بخصوص بیمه های از کار افتادگی و
بازنشستگی)
د - به حداقل رسانیدن مالیاتهای غیر مستقیم
بر روی کالاهای اساسی مورد نیاز توده های مردم
و افزایش اینگونه مالیاتها بر روی مصارف
لوکس
ه - لغو کلیه مطالبات کمر شکن رژیمهای
پیشین از اقشار کم درآمد

و تأمین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان
جزء دولت و سایر خصوصی و فرزندانشان
بخصوص آموزگاران و دبیران و لغو یون
مختلف آنان به مراجع دولتی

ز - ارتقاء کیفی سطح تغذیه عمومی بواسطه
مصرف بیروتنین بخصوص برای کودکان و اقشار
کم درآمد
آخرین بخش برنامه های دولت موقت در مورد
سیاست خارجی است، در این بخش گفته میشود :
"سیاست خارجی دولت موقت جمهوری دموکراتیک
اسلامی ایران بر مبنای استقلال و عدم تبعیض و
کناره گرفتن از همه پیچیدگیهای سیاسی و
نظامی استعمار و حفاظت از منافعی و
آب و خاک ملی (تأکید از متن برنامه است) از
اصول زیرین پیروی میکند :

الف - عدم دخالت در امور داخلی سایرین
و ممانعت از دخالت دیگران در امور داخلی
کشور
ب - همزیستی، صلح و همکاریهای بین المللی
ج - احترام به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی
حقوق بشر
د - محکوم کردن همه سیاستها و خط مشی های
نژاد پرستانه و فاشیستی
ه - حمایت از تمامی جنبشهای آزادی بخش ضد -
استبدادی، ضد استعماری و ضد استعمارگری در
سراسر جهان .



قبل از بررسی "برنامه های مرحله ای دولت موقت جمهوری
دموکراتیک اسلامی" لازمست یک نکته را تذکره کنیم .
اختصاص دادن چند صفحه از نشریه به خلاصه های نسبتاً
جامعاً ملایم این برنامه عمدتاً بدلیل زیرصورت گرفت
۱ - بخاطر وجود جواختناق و سرکوب وحشیانه ای
رژیم خمینی، این برنامه مدت تعداد محدودی از
افراد و شاید عمدتاً بدست سازمانهای سیاسی
رسیده است و در نتیجه لا زهود که خوانندگان ما
با مقدار چنین برنامه های کم بیش آشنایی داشته
باشند . شاید میبایست متن کامل آنرا منتشر کنیم
چرا که این برنامه سند مهمی است که در اینجور
بد فعلت مورد مراجعه و استفاده قرار خواهد گرفت
ولی متأسفانه به علت محدود بودن صفحات نشریه قادر
به انجام اینکار نیستیم .
۲ - قبل از نقد و بررسی این برنامه، حداقل چاپ
خلاصه ای از مفاد آن لازم بود، چرا که در دست
داشتن همین خلاصه (نسبتاً جامع و کامل) از آن، هم
کار بررسی کنند و هم کار خواننده را آسان تر
میکند . و در واقع نمیشود برنامه ای را مورد نقد و
بررسی قرار داد که افراد معدودی احتمالاً آنرا
دیدند و یا حتی بسیاری از وجود آن اطلاع
ندارند .

با ذکر این مقدمه، اکنون به اختصار به بررسی
"برنامه های مرحله ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک
اسلامی" می پردازیم و نکاتی چند را متذکر میشویم :
اولین نکته ای که در باره این برنامه
مرحله ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

"دولت موقت" نیست، دولتی که عمر آن، علی‌الاصول از چند ماه (فاصله‌ی بین سرنگونی رژیم قلمی و استقرار دولت جدید و پیاپی کار مجلس موسسان) تجاوز نمی‌کند. این برنامه‌ی مرحله‌ای بطوریکه ملاحظه شد، برنامه یک دولت دائمی است که تحقق برنامه‌ی مرحله‌ای آن (بطوریکه ملاحظه می‌شود)، چندین و چند سال وقت لازم دارد چرا که احراز واقعی بسیاری از مواد این "برنامه‌ی مرحله‌ای" دولت موقت، چندین و چند سال بطول خواهد انجامید.

در اینحال، با قبول فرض جانشینی "دولت موقت" جای رژیم کنونی، مسئله‌ای از دوحالت زیر پیرو است

میتوان عنوان کرد اینست که علی‌الاصول، یک دولت موقت که قدرت را بدست میگیرد، همانطوریکه در فصل اول "برنامه" نیز دیدیم، وضعیت موقت دارد و وظیفه‌ی آن "انتقال حاکمیت به مردم ایران" است و رسالت چنین دولتی، علی‌القاعده، پس از تشکیل "مجلس موسسان" تعیین نظام قانونی جدید و روش قانون اساسی آن، خاتمه می‌یابد. بنابراین، چنین دولت موقتی به برنامه‌ای انجمن بطول و تفسیر نیاز ندارد چرا که این دولت، عهد مداری یک وظیفه‌ی موقت است و پس از انجام آن، کنار میرود.

اما یک نوع دولت موقت دیگر هم داریم که مانند "دولت موقت جمهوری اسلامی" خمینی و کوهی بیش با همان وعده‌های مذکور در فوق تشکیل میشود و در پیروهای که دیدیم به رژیم نفوذ جمهوری اسلامی تبدیل میگردد. بهر حال با وجود چنان سابقه‌ای شوم و هنوز از خاطرها نرفته، بحکم میتوان از "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" سؤال کرد که اگر قرار است مجلس موسسان، از طریق انتخابات آزاد (با هرگونه نظارت و تضمین مردم) برای تعیین نظام قانونی جدید و روش قانونی آن تشکیل شود، پس معنای این "برنامه‌ی مرحله‌ای" (و در واقع دراز مدت) چیست؟ برنامه‌ی که خلاصه‌ی نسبتاً جامع و کامل آنرا در صفحات قبل نقل کرده‌ایم، ابد این برنامه یک

بقیه از صفحه ۶

ترک...

میداند. در ادامه‌ی همین مطلبی همین اعتقاد، حدود کیا نوری مینویسد:

انجام مروری بر برابر همه‌ی نیروهای که طرفدار آزادی و دموکراسی هستند قرار گرفته براند احتش استبداد محمد رضا شاه است. انجام آیس سرزمین وظیفه‌ی همه‌ی طرفداران آزادی و دموکراسی است و آنها میتوانند در این زمینه با همه‌ی مخالفین رژیم کنونی حتی از میان طبقات حاکم همکاری نمایند" (تأکید)

از ماست ویزنامه‌ی دنیایه مناسبت "۳۵ سال حزب توده‌ی ایران"، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۵ صفحه ۱۱۰)

صرف نظر از اینکه، تمسحری که تمام جوانندگان سطور فوق برای مدح آزادی و دموکراسی توسط افسای کیا نوری میتوانند بر لب آورند، باید گفت که با وجود چنین توجهی به "محافل" درون طبقات حاکم‌های سابق، و علاقه‌ی حزب توده به مدح واقع پس در درون رژیم شاه (که اکنون نیز ادامه‌ی مطلق خود را در جستجو برای بافتن جناح واقع بین در درون رژیم خمینی می‌یابد) باور اینکاست اسکندری واقعاً در یک ماوریت حزبی برای داسن مزی دهان آقایی آیینی و احتمالاً گذاشتن قول و قرارهایی برای آینده‌ی بدون جمهوری اسلامی نبود ماست، اگر نه غیرممکن، بسیار مشکل است. تمام تلاش کیا نوری نیز به منظور رفع شبهه از دهستان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است: اسکندری نمایندگی حزب نیست، شما فعلاً گالای سوسیالیستی را بخیرید.

۱- با در طرف چند ماه پس از سرنگونی رژیم خمینی "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" برای "انتقال حاکمیت به مردم ایران"، "مجلس موسسان" را از طریق انتخابات آزاد (با هرگونه نظارت و تضمین مردم) تشکیل خواهد داد. و نمایندگان مردم در این مجلس، نام مشکل و محتوای نظام قانونی جدید را تعیین خواهند کرد. پس از خاتمه کار مجلس موسسان و پس از انتخابات و استقرار سادات قانونی جدید، وظیفه‌ی "دولت موقت" جمهوری دموکراتیک اسلامی نیز خاتمه خواهد یافت و رژیم با نام مشکل و محتوای جدید (نه لزوماً با نام مورد اصرار "دولت موقت")، بروی کار خواهد آمد و برنامه‌ی خود (نظروماً) برنامه‌ی مرحله‌ای "دولت موقت" را به مرحله‌ی احراز خواهد گذاشت (و از هم اکنون هیچ کس نمیتواند با قاطعیت پیش بینی کند که "دولت موقت" برنامه‌ی مرحله‌ای آن چنان و دقیقاً در دولت بعدی و قانون اساسی جدید متبلور خواهد شد).

۲- با "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" قائم رژیم خمینی بران حفظ نام مشکل و محتوای رژیم مورد ضرر خود، بهر وسیله‌ی ممکن و مقصور متحمل خواهد شد و چه سام مجلس موسسانی هم در کار باشد در اینجا، البته "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" معاند برنامه‌ی مرحله‌ای یا برنامه‌ی تازه‌ای را به مورد احراز در آورده (۲)

۳- در برنامه‌ی "دولت موقت" "انحلال ارتش ضد خلفی و تشکیل ارتش نه‌های که معاهدات در گذشته که همه نسبت به آن حساسیت نشان میدادند، صحنی در میان سبب و حیای آنرا" تعدد سازمان ارتش سخن گفته میشود. نکته مهمتر این است که اگر چه در مورد نیفهی ارتش از سرسردگان رژیم خمینی (که تعدادشان زیاد نیست) توسط معاهدات بین حوسبتحانه حاد نگرانی وجود ندارد، ولی در مدح گدای برنامه، در مورد تصفیه‌ی ارتش از سرسیردگان شاه اشاراتی نمیشود.

۴- معاهد بین که پس از رسول "میثاق بنی‌صدر" اکنون به برنامه‌ی مرحله‌ای "دولت موقت" رسیده‌اند، کامهای اساسی و مهمی به محلو برداشته‌اند که قاطعاً تحسین است. این برنامه، صدها بار از برنامه فوق ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد مردمی خمینی و دهها بار از برنامه‌ی ضد انقلابی (ضد کارگری) بنی‌صدر، مترقی‌تر است. هر چند که در شکل کنونی اش برنامه‌ی باشد غیر واقعی، غیر قابل تحقق و در یک کلمه تخیلی (در این باره بعداً توضیح

خواهیم داد) .
برنامه‌ریزی مهم‌ترین، برنامه‌ریزی خرید، بورژوازی
مترقی، قبل سرمایه‌داری، ضد انقلابی (ضد
کارگری) و ضد مردمی است. "میتاق" مرحوم
بنی صدر، برنامه‌ریزی بورژوازی مفلوک و بی‌سوی
ایرانی، "ایضا" ضد انقلابی (ضد کارگری) و بالعمای
ازد موکراسی بود. و برنامه‌ریزی مرحله‌ای دولت
موقت، از نظر روستاییان، دموکراتیک (بورژوازی)
و از نظر زیربنایی، خرید بورژوازی و غیر انقلابی
(غیر کارگری) است و با این همه، در شرایط
کنونی، در شرایطی که انقلاب سوسیالیستی هنوز
امکان تحقق پیدا نکرده و هنوز در آن میتوان بعنوان
یک برنامه‌ریزی مترقی نام برد. تکیه‌ی اساسی
برنامه‌ریزی مرحله‌ای دولت موقت علاوه بر سرمایه
داری و بورژوازی، "ا" و "ب" و عدالت برای دهقانان،
کسبه، جز، کارمندان و سایر اقشار خرد
بورژوازی سنتی و جدید است و کم‌توجهی چشمگیر
آن نسبت به کارگران توجه هرخواهند، عادی‌رانی
بخود جلب میکند که بعداً به آن خواهیم پرداخت
ولی قبل از پرداختن به اینها، اساسی (زیر
بنایی) "برنامه‌ریزی مرحله‌ای دولت موقت" تذکره
تا کنید بروی چند نکته لازم است:

- ۱- گفتیم و تکرار میکنیم که این برنامه در مقام
مقایسه با "میتاق"، یک گام مثبت و مهم به جلو
است.
- ۲- این برنامه، در شرایط کنونی، یک برنامه
مترقی است.
- ۳- برخورد انتقادی کمونیست‌ها با این برنامه‌ها
هر برنامه‌ی مترقی دیگر، بدلیل اینکه یک برنامه
غیر انقلابی (غیر کارگری) است، نه مخالفت
غیر اصولی و خرده‌گیرانه بلکه برخوردی سازنده
است و سهیم شدن در رفع کاستی‌ها، نادرستی‌ها
و خیال‌های، اما حتی وقتی که معتقدیم این
برنامه در شکل کنونی اش غیر واقعی، غیر قابل
تحقق و در یک کلمه، تخیلی است (چرا این را
بعداً توضیح میدهیم)، معنایش مخالفت کامل با آن
یا ای‌یاس خواندن نیست بلکه همان برخورد
انتقادی سازنده و همان ادای سپردن رفع کاستی
ها، نادرستی‌ها و خیال‌هایی را دنبال میکنیم.
بنابراین، صرف‌نظر از اینکه برنامه‌ی
مرحله‌ای در شکل کنونی اش تا چه حد در عمل به
مورد اجرا درآید و یا اصولاً تا چه حد قابل اجرا باشد
کمونیست‌ها در مقابل چنین برنامه‌ای نخواهند
ایستاد ولی با این همه وظیفه دارند، بی‌آنکه
دوی زده شده و در چار خیال‌هایی گردند، از ایجاد
توهانات جدید جلوگیری کنند. چنانچه امروزه پسند
نویسندگان برنامه‌ی مرحله‌ای باشد و چنانچه
محکوم کنند. (۳)

● قبل از گفتنیم که تکیه‌ی اساسی این برنامه،
علاوه بر سرمایه‌داری ملی و بورژوازی (ب) و غیره
عدالت برای دهقانان، کسبه، جز، کارمندان
و سایر اقشار خرد، بورژوازی سنتی و جدید و کسبه
توجهی به کارگران است. مواد نه‌گانه‌ای که در
فصل سوم، بخش هشتم بعنوان "حقوق کارگران" که
دولت موقت جمهوری موقت تکیه اسلامی آنها را
رعایت خواهد نمود آمده، اگرچه از برنامه‌های

ضد کارگری شاه و خمینی، به مراتب مترقی‌تر است
ولی چیزی بیش از، حقوق کارگران، در کشورهای
بورژوازی اروپائی را در بر ندارد. علاوه بر رد
سرمایه‌داری وابسته به خارجی، به پذیرش سرمایه
داری و بورژوازی (ب)، مالکیت شخصی و خصوصی و
سرمایه‌گذاری فردی، "اولویت قائل شدن برای
کشاورزی"، "احیای صنایع ملی" (احیای کسب و
صنایع ملی؟ احیای صنایع کوچک و متوسط بورژوازی)
"توجهات به رشد صنایع کوچک و متوسط بورژوازی"
در حوالی روستاها، از جمله اساسی‌ترین چشم
اندازهای اقتصادی این برنامه بشمار میرود.
از طرف دیگر، ایدئولوژی نیست که در برنامه
همه‌جا از دهقانان قبل از کارگران نام برده میشود.
از این گذشته، بیشترین توجه برنامه نسبت به
اقشار مختلف خرده بورژوازی (در مقام مقایسه
با کارگران)، در بسیاری از مواد برنامه به چشم
میخورد و بعنوان مثال میتوان دو نمونه زیر را
ذکر کرد:

۱- فصل سوم، بخش هفتم میگوید:
"تأمین مسکن برای روستائیان از طریق
ایجاد شرکت‌های مناسب روستائی با خدمات
ضروری ..."

یا در بخش اول، و در فصل سوم، شورایی با زار
و شورای دانشگاهها مطرح میشود. "از شورایی با زار
که بگذریم، چه کسی میتواند با شورای دانشگاه
مخالف باشد؟ استقلال دانشگاهها و اداره‌ی
دانشگاهها، توسط شورای آنها، یک رفاه
بورژوازی است و مطالب کشورهای غربی مورد عمل است.
البته ما برخلاف خشک اندیشان مارکسیست ابتدا
معتقد نیستیم که چون این رفاه اساساً بورژوازی
است پس کمونیست‌ها باید با آن مخالفت کنند. بلکه
برعکس. از اینکه شورای دانشگاهها، در برنامه، دولت
موقت برسمیت شناخته شده از آن استقبال میکنم
حرف ما فقط نشان دادن اولویت در برنامه، دولت
موقت، به بورژوازی و خرده بورژوازی است و کم‌توجهی
به کارگران. وقتی در برنامه‌ی به شورایی با زار یعنی
به شورای سرمایه‌داران رسمیت بخشیده میشود، ما
حتی در این سؤال کنیم چرا سرمایه‌داران بورژوازی دولت
موقت، "اشاره‌ای به شوراهای کارگری ندارد و در
مقابل حتی تعیین میزان مالیات با زاربان به
رضایت شورا آنها موکل میشود؟
در همین جا، در رابطه با شوراها یک نکته دیگر
نیز قابل ذکر است: در بخش ششم فصل اول برنامه

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

طلبانه عقاید یا فکر" (فصل سوم بخش چهارم) که حد این از رفتیش عقاید معلوم نیست و غیره. برنا همه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی از نظر روستائی بویژه رزمینه حقوق ازادیهائی دموکراتیک به برنا می یک انقلاب دموکراتیک (بوروژوازی - دموکراتیک) شباهت دارد. با این تفاوت که دو اصل اساسی انقلابهای دموکراتیک اروپائی دران غالب است یکی اصل جدائی دین از دولت و دیگری اصل جدائی مدرسه و کلیسا (مسجد). برنا همه دولت موقت بدلایی که میدانچهنه تنها این دو اصل اساسی را نادیده گرفته بلکه بطور ضمنی آنها را تأیید میکند. از این دو نکته بسیار مهم کهدر واقع گذشتنی هم نیست که بگذریم، سایر اصول دموکراتیک انقلابهای سیاسی مترقی دران مندرج است که در شرایط کنونی میتواند مورد استقبال کمونیستها قرارگیرد چرا که در مقابل حکومت قرون وسطائی دین سالاری، یک گام مهمو اساسی به پیش است.

ولی باز بدون این که بخواهیم آیهی یاس بخوانیم یا بدون اینکه بخواهیم مجاهدین را در هیچ زمینهای باوجود فوق مرتجعی مانند خمینی مقایسه کنیم، ناگزیر به مقایسه ایم. خمینی قبل از انقلاب سیاسی بهمن ۵۷، در بیانیهها و سخنرانیها و مصاحبههای متعدد خود، بارها هر چند با لحنی عامیانه و عامه پسند (و نه عبارات سنجیده ای برنا همه) "دولت موقت"، که کم و بیش احترام به تمام این حقوق ازادیهائی دموکراتیک را یک وعده داد و برادیا و اقوام خمینی درهما نوقت صرفا یک شاید بود و تمام آن وعده ها فقط یک "تاکتیک" ریاکارانه بود؟ بگمان ما تنها چنین نیست. تمام آنچه را که خمینی دران ایام وعده داد الزام فریب و دروغ و تیرنگ نبود و شاید خمینی تا بهشت زهرا هنوز تشکیل مجلس موشان را ضروری میدانست. چرا چنین نشد؟ عوامل بسیاری در این مورد موثر بود از جمله اگر از حقایقهای سنجاییها، بازگانیها و پنی صدرها و بسیاری از نیروهای به اصطلاح ملی گه بگذریم، بخش اعظم این گناه را باید به پای سپاه ستبائی معاشات جوانانه، توجیه گرانه، خیال بافی های فدائیان و مجاهدین نوشت.

در همین زمینه (چه در رابطه با گذشته و چه در رابطه با آینده)، یک نکته بسیار مهم را هیچگاه و حتی یک لحظه هم نباید فراموش کرد: خرده بورژوازی برکنار از قدرت و خرده بورژوازی درحاکمیت هیچگاه دقیقاً به یک زبان سخن نمیگوید. خاستگاه یک طبقه یا قشری از یک طبقه درحاکمیت (و در اینجا خرده بورژوازی) است که تعیین کننده است. نه "حسین نیت قبلی" و "سوء نیت بعدی" و یا "حسن نیت" یکی و "سوء نیت" دیگری. البته تا زمان قوای طبقاتی، سطح مبارزه طبقاتی جاری درجای معهوداگاهی یا عدم اگاهی طبقاتی سازمانهای کمونیستی، میتواند موضعگیریها و برنامهمعاشای خرده بورژوازی درحاکمیت را دگرگون کند، و ازیکسو به سوی دیگری سوق دهد.

از طرف دیگر، وعده ها و شعارهای مدون و غیر مدون، هر قدر در رزمینه مسائل روستائی (بویژه حقوق ازادیهائی دموکراتیک) درخشان باشد فی نفسه چیزی را بیان نمیکند، چه بخواهیم وجه

از نظام "شورایی برنا" متکامل ترین شکل ادا را مورد کشورویا یداری انقلاب صحبت میشود ولی همین متکامل ترین... در بخش سوم، فصل سوم تحت عنوان "شوراهای مردمی" چنان رقیق میشود که چیز کم خاصیتی مبدل میگردد. و در اینجا یا تقسیم شوراهای به شوراهای تصمیم گیرنده و "شوراهای ضرورتی"، دیگر چیز زیادی از نظام شورائی باقی نمی ماند. و عملاً شوراهای به وسیله ای در دست دولت مبدل میگردد که با انتصابات "مدیران" کارخانها و فرماندهان ارتش توسط دولت را تصویب کند. در این بخش اعلام میشود که "شوراهای تصمیم گیرنده مانند اداره امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانترالیزم از خارج از شوراهای ندارد". که این چیززی جز همام شوراهای آباتنی وولایتی مندرج در متمم قانون اساسی سال ۱۹۰۷ نیست. اما بقیه "شوراهای"، یا "شوروتی" هستند (مشاریه ای الامر) که نیاز به اعمال مرکزیت و سانترالیزم از خارج شوراهای دارند یا شوراهائی "با اختیار کمتر یا صرفاً ضرورتی" و غیره.

● بطوریکه گفتیم با اینکه در برنا همه "دولت موقت" بیشترین توجه معطوف به بورژوازی و اقشار مختلف خرده بورژوازی (از جمله دهقانان) است با اینحال برنا همه سیاست ررضی و مسائل روستائی (بخش هفتم، فصل سوم) دارای ابهامات و ناروشنی های فراوان است. در سیاست ررضی و مسائل روستائی و در هیچ جای برنا همه مرحله ای در مورد مصاد رمی زمین های زمینداران بزرگ صحبتی به میان نمی آید و معلوم نیست که در اینجا به "اصلاحات ررضی ریشه ای"، چگونه میتواند تحقق یابد. این برنا همه خود را به یک شعار رگلی غیر صریح محدود میکند: "زمین متعلق به کسی است که بروی آن کشت میکند". اگر فرض کنیم منظور تلویحی (نه صریح) آن اینست: زمین متعلق به دهقانان است که روی زمینهای زمینداران بزرگ کار میکنند، در این حال نیز وضع دهقانان کم زمین، خوش نشینان، مهاجران و آوارهی روستائیان زمینداران همچنان نامعلوم است. در این برنا همه پاسخ صریحی برای این سؤال نمی یابیم و شاید بتوان حدس زد که یکی از مواد همین بخش هفتم ناظر بر احوال آنها باشد که میگوید:

"سازمان دادن کارگاههای کوچک روستائی برای جذب بیکاران روستائی و بگذاشتن همه نیروهای مولد روستا، که جواب قانع کننده ای در عدم برخورد با مصاد رمی زمینهای زمینداران بزرگ نیست. گسترش سطح زمینهای زیرکشت (بندج اصلاحات ررضی اسلامی)، احیاء و فعال نمودن اراضی قابل کشت (بند الف)، بندج" و توسعه کشت های دستجمعی "در صورت امکان" (کشت مشاعی طرح رضا صفائی) و غیره نیز مجرای است به سؤال طرح شده در فوق و نه معنای اصلاحات ررضی ریشه ای".

● در "برنا همه مرحله ای" نکات فراوان دیگری هست که با بعلت ضیق صفحات بهمان نمی پردازیم ولی اهمیت این نکات شبیه هیچ مجازنگاتیاد شده کمتر نیست. از این جمله اند قوم خواندن اگراد (فصل سوم بخش پنجم)، عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها و رعین حال حمایت از جنبشهای ازاد بخش (فصل سوم بخش آخر)، نفی "پنهان نمودن فرصت -

به مردمی که از رژیم وحشی و جنایتکار خمینی چنان بجان آمدند که بخشی حتی یک کودک تازی دست راستی را باین رژیم ترجیح میدهند، وعده‌های مربوط به حقوق و آزادیهایی در مکرراتیک‌مندرج در برنامای دولت موقت، بحق خیال انگیز و زبیاست. ولی چه کنیم که ما (بعنوان مارکسیست‌ها) یاد گرفتاریم رونما را تا بعضی از زیرینا بدانیم) اعتقاد نداریم که آن وعده‌ها در چارچوب کنونی برنامه‌ای

نیز یافت، چه میشود؟ باز همان شعار معروف خمینی "نه یک کلمه زیاد نه یک کلمه کم"، تکرار خواهد شد؟ و باقی ماجراها که میدانیم و میدانید؟ (یک نمونه دیگر از نشانه های بدبینانه را در صفحات بعد ارائه خواهیم داد).

(۳) در آخرین بخش از فصل دوم ("و حیدر برنامه ریزی در نظر عمل") یعنی قبل از ارائه مواد برنامه مرحلای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی (فصل سوم)، پیشاپیش هرگونه انتقاد یا عدم قبول جزئی از برنامه ای حاضر بعنوان "مثله کردن" و از جامعیت انداختن آن محکوم میشود. یعنی هر نیروی سیاسی که احتمالا بخواهد در حول این برنامه، همکاری یا اختلاف کند ولی انتقاداتی به آن داشته باشد و یا بر مبنای این برنامه برای رسیدن به یک فصل مشترک به بحث بنشیند، آب در هاون خواهد کوبید. آقای مسعود رجوی، یکبار دیگر، تصمیم گرفته است که بگوید: همین است که هست! این "مریت" در زمانی صورت میگیرد که "دولت موقت" هنوز قدرت را بدست نگرفته است. این یکی دیگر از همان نشانه های بدبینانه است که قبلا اشاره شد، این همان برخوردی است که رجوی در خصوص "ملحوظ شدن به میثاق" نیز... این برخورد غیر اصولی، غیر سازنده، سنگت رستی، خود محور، بینگانه و غیر دموکراتیک است که در روند خود، بجای دیکتاتوری قرون وسطائی خمینی میتواند به دیکتاتوری دموکراتیک اسلامی منجر شود.

(۴) لایحه بلافاصله جواب داده خواهد شد: "الجزایر! بله، بله، الجزایر! کشوری که بیست سال پیش از انقلاب و بدست گرفتن قدرت توسط خرد بورژوازی (مجاهدین الجزایری)، فقر و گران (بویژه در زمینه اجاره خانه و مواد غذایی خصوصا گوشت) و تورم بیداد میکند، همین امروز پیش از شصت هزار تن از کارگران آن فقط در کشور فرانسه مورد استثمار و شدیدترین تحقیرها قرار دارند و ما این حال انداخته های ارسالی آنها به الجزایر، بخش مهمی از ارزش خارجی کشور را فراهم میکند...."

"دولت موقت" تحقق خواهد یافت و دقیق تر اینکه دیر یا خواهد بود. آنها که به سوسیالیسم علمی اعتقاد دارند و آنها که به تجربیات فرانسه و تاریخی میگردند، چنین حکمی را می پذیرند. ما این حال، بخاطر آرمانهای مردمی قرنهای گذشته، امروز میکنیم که این حکم، برای یکبار هم شده، استثنائی داشته باشد. فرانسویان ضرب المثلی دارند که میگوید: آنکه زنده می ماند، خواهد دید.

(۱) در اینجا و همه جا در این مقاله، تاکید از ماست، مگر اینکه تصریح شود: (۲) نشانه های بدبینانه ی فراوانی در این زمینه وجود دارد. از برنامه ی مرحلای دولت موقت که در واقع برنامه ی یک دولت دائمی است که بگذریم، از جمله این نشانه ها، مصاحبه ایست که در دو هفته ی ورود قهرمانانهای رئیس جمهور کترینی صدر و برادر مسعود رجوی به پاریس، یکی از هم وطنان مبارز یا برادر مجاهد مسعود رجوی انجام داده است (کد رهشماره ی ۱۰ هفته نامه "استقلال" بجای "انقلاب اسلامی" در خارج از کشور، مورخ ۳۱ مرداد ۶۰ چاپ رسید. متن همین مصاحبه در ایران نیز تکثیر شد). مسعود رجوی، در این مصاحبه میگوید:

"با توجه به مرحله ی کنونی انقلابان جمهوری دموکراتیک اسلامی را پس از تصویب رئیس جمهور آقای بنی صدر به احتمال قریب به یقین این نام تصویب خواهد شد... به دلایل متعدد دیدن ثلوث یک و اجتماع سیاسی، ما همچون اکثریت قریب به اتفاق مردم روی حضور کلمه ی انقلابی اسلام در نام جمهوری، اصرار داریم ((خمعینی نیز به همان دلایل بروی همان نام اصرار داشته)) و امید داریم که هیچکس ((به دلایل گروهی عقیده ی خاصی خود ((از زمان انتظار صرف نظر کردن از این کلمه انقلابی را نداشته باشد:

سؤال اینست که در صورت وجود این "اصرار و برخلاف این انتظار"، اگر واکنش هایی در مورد این نام بوجود آمد و یا اگر مجلس موسسان این نام

بقیه از صفحه ی ۸

ایران و...

بقیه از صفحه ی ۸

این حکومت خوشامان بیاید در جهت منافع آمریکا است به نقل از ایرانشهر. دوره ی سوم، شماره ی مسلسل ۱۰۳.

"تایمز" در سرمقاله ی اول سپتامبر ۸۱ تحت عنوان "ایران: سقوط در هرج و مرج" نوشت: ... اقتصاد تخریب شده، قطعی بیداد میکند، تورم به حد ۵۰ درصد رسیده و حدود چهار میلیون نفر بیگارند. طبقه متوسط عمده است، دهقانان در مظنه اند، آزادی خیلی بیشتر از زمان شاه سلب میشود و اختناق بیداد میکند. وضع طور است که هیچکس ولو اینکه موافق رژیم هم باشد نمیتواند خود را از حملات یا رانویا گونه ی کسانی که خود را حافظ انقلاب میدانند مصون بداند... بسیاری از سران ارتش از بین رفته اند، هنوز امکان دارد ارتش بتواند بخودی خود قد علم کند و

رژیم را واژگون سازد، حتی میتواند چنین ادعا کند که میخواهد اصول حقیقی اسلامی را از دست کسانی رها سازد که آنرا وارونه اجرا کردند. درست است که برای چنین ادعائی وجود چند اخوند نیز لازم است، اما لایحه اکنون بقدر کافی اخوند ناراضی وجود دارد که بخواهند از نو آغاز کنند (ایران و جهان (همان شماره) اینترنشنال هرالد تریبون ۲۰ سپتامبر ۸۱ نوشته بود:

"با اینکه از سقوط شاه بیش از ۳۰ ماه میگذرد هیچ انقلاب ایران هنوز آرام نگرفته و ثبات نیافته است و امروز منافع آمریکا در ایران همین ((ایجاد آرامش و ثبات)) است. وجود یک دولت با ثبات در ایران میتواند تولید نفت را دوباره برقرار ساخته و از مرزها در مقابل همسایگان فرصت طلب دفاع کند" (بنقل از نشریه "ایران و جهان" چاپ پاریس شماره ی ۵۳)

اخباری از...

بقیة زصفحه ۴۶

این پیروزی روحیه‌ی بچه‌ها را بالا برد ما ست و به آنها درس‌گرا تنها بی‌در تجریدی می‌آورد علی‌ه عوامل سرکوب مردم ما موخته است که مسلماً در آینده مفید خواهد بود.



دبیرستان دخترانه‌ی آزادگان بالاتر از پل رومی واقع شد و در ۲۳ نفر دانش‌آموز دارد تمام کلاسها و راهروها با آیفون، که مرکززش در دفترانجمن اسلامیست، کنترل میشود. در تاریخ ۲ آبان به دانش‌آموزان گفته شد که دستور دانش‌آموزان مبارزه با منکرات باید در هنگام ورود به کوجهای که مدرسه در آن واقع شده است، حجاب بسر داشته باشند.

جاسوسان رژیم در مدرسه‌ها اعمالگرد ۳ آبان از اخوندی برای اجرای مراسم دعوت بعمل می‌آورند ولی او در روز موعود در مراسم حاضر نمیشود و در نتیجه بچه‌ها پس از سه ساعت معطلی در زیر باران روانه منزل میگردند. روز بعد انجمن اسلامی دبیرستان مراسمی برپا میکند و اعضای آن میسرود خوانشی میپردازند. پس از اینکه خواندن سرودهای بی‌سروته به مدت یک ساعت و نیم بطول می‌انجامد، دانش‌آموزان اعتراض کرد و تقاضا میکنند که یا به منزل و یا به کلاس درس بروند. ولی اعضای انجمن اسلامی همچنان به خواندن سرود ادامه میدهند. سایر دانش‌آموزان نیز شروع به خواندن سرودهایی مثل سرود بهاران خجسته یا در فیتی دانشیان، و برپا خیزو زحاک بنای کاخ دشمن میکنند بدینال این امر، مسئولین مدرسه ناچار میگردند خیلی سریع مراسم را برپا کرده و مدرسه را هم تعطیل کنند. و به این ترتیب انجمن اسلامی و مسئول امور تربیتی (که قبلاً از دانش‌آموزان خواسته بود بر دایر شعرا و خواندن سرودهای انجمن اسلامی شرکت حویند) با پاسخ دندان شکنی روبرو میشوند.



روز ۴ مهرماه یک اتوبوس حامل پاسداران مقابل دبیرستان دخترانه‌ی راستین، پایتین از پل رومی، توقف و دانش‌آموزان بی‌حجاب را دستگیر میکند. و هنگامیکه یکی از دختران دانش‌آموز اعتراض میکند، یکی از پاسداران پاسخ میدهد: "فتی در کمیته ۸ ضربه شلاق خوردی، میفهمی که باید رومری سرکنی یا نه؟" این امر روز ۵ مهر نیز توسط چند پاسدار در لباس شخصی تکرار میگردد. آنها دختران بی‌حجاب را متوقف کرده و با فحش و ناسزا از آنها میخوابستند که یا یک ورقه تعهد نامه را امضاء کنند و یا خود را برای ۸ ضربه شلاق آماده سازند.



در هنرستان پسرانه‌ی واقع در بهارستان از هنر-جویان مرتباً تفتیش بدنی به عمل آورده میشود. در این هنرستان، خواندن نماز برای سالهای پایین

اجباری و بالعکس برای سالهای سوم و چهارم اجباری نیست. گویا این امر بدلیل تعداد زیاد دانش‌آموزان سالهای بالاست. این امر سبب میشود که حزب اللهی‌های معدود هنرستان نتوانند اوضاع را تحت کنترل داشته باشند. قبلاً هم یک بار ناظم حزب اللهی هنرستان که به یک دانش‌آموز سال چهارم به "جرم خندیدن در موقع نماز سلی" زده بود، شدیدا مورد اعتراض سایر دانش‌آموزان واقع گردید.

علت تأخیر انتشار رهائی

پس از انتشار رهائی شماره‌ی ۱۰۹ اشکالات امنیتی متعددی موجب توقف انتشار نشریه شد. در ابتدا در نظربود که غلبه اشکالات، شماره ۱۰۹ همراه با توضیح ضرورت توقف کوتاه منتشر شود ولی این نیز میسر نشد و بنا بر این انتشار رهائی بدون توضیح به رفقای خواننده به مدت چند هفته متوقف ماند. از این لحاظ از خوانندگانسی که نگران توقف انتشار رهائی بودند پیوزش می‌خواهیم. برای عده‌ی معدود دیگری که این امر را حمل بر اختلافات درون سازمانی کرده‌اند باید توضیح بگوئیم که هرگاه برسر مواضع مشخصی اتفاق نظر در درون سازمان وجود نداشته، رهائی تحمل و اعمال نظر باقی نگذاشته است. بنا بر این اساس نیازی به استفاده از چنین شگردهائی نداشته است.

بهر حال انتشار رهائی به همان مضمون سابق ادامه می‌یابد. امید داریم به تنهایی بلکه همه سازمانهای چپ دیگر انچنان امکانات وسیعی یابند که تسرور و خفقان رژیمهای ارتجاعی نتواند در کار مبارزاتی آنها حتی توقف کوتاهی ایجاد کند.

با امید آنروز

توضیح

در شماره‌ی ۱۰۹ رهائی بخشی از سلسله مقالات راجع به اصلاحات ارضی (بندج و د) چاپ شد. در این فاصله واقعیت رژیم جمهوری اسلامی ثابت کرد که چنانچه این اصلاحات نیم بند و در همین از عید مان خارج است. بندهای چ و د و احکامات نویه خزیلات دیگر زودتر از آنچه انتظار میرفت به گورستان سپرده شدند. در این شرایط ادامه انتشار مقالات بالا موضوع است. باشد تا چرخشی دیگر ترفندی تازه تر احاله دهد.

اخباری از:

مقاومت دانش آموزان مدارس تهران

پاسداران کور محمد داکمی صحبت میکنند و با زتکیبر میگویند. ولی با زکسی جواب نمیدهد. وی این بار عصائی شده و به مجرب و بحث با تعدادی از دانش آموزان می پردازد ولی موفقیتی بدست نمی آورد! بدنیال این شکست اولیه، پاسداران به رعب و تهدید دانش آموزان میپردازند و سپس آنها را روانه کلاسها میکنند. در مقابل، دانش آموزان در راهروها اجتماع میکنند و دستجمعی به دادن شعارهایی از قبیل زیر بارستم نمیکنیم زندگسی میپردازند. این مقاومت بچهها، با یورش وحشیانه پاسداران اسلحه به دست مواحه میشود که قصد شناسائی عاملین اصلی را دارند. ولی این حمله نیز به علت برخورد دستجمعی بچهها با شکست روبرو میشود و دانش آموزان دوباره دادن شعار اقدام میکنند.

این بار پاسداران با اسلحههای آماد هی شلیک به بچهها هجوم برده، عدای را کتک میزنند و به ضرب اسلحه آنها را متوقف میکنند. سپس بچهها را به حیاط هدایت کرده و از آنها میخواهند که شعار دهندگان را معرفی کنند. بچهها در پاسخ دوبار میخورد دستجمعی شعار میدهند.

پاسداران ششول بند رژیم دیکتاتوری که خود را در مقابل مقاومت و مبارزه دستجمعی دانش آموزان ناتوان میبینند، و با تهدید رور نیکنار نتیجهای نمیگیرند، د و کلاس سوم را منحل میکنند و بچهها را برونده بدست بخانه میفرستند. ولی بچهها این عمل پاسداران را بیزارانه و کورد پاسخ مناسبی میدهند.

بعد از آن نیز سعی و تلاش پاسداران برای کنار آمدن با بقیه بچهها و فریفتن آنها به وسیلهی نصایح اسلامی بجایی نمیرسد و آنها با مقاومت و هو

کردن بچهها مواحه میشوند. در وقت نماز، پاسداران از دانش آموزان میخواهند که در نماز جماعت شرکت کنند، ولی به جز چند معلم (از ترس) و انفرادی اندمن اسلامی کسی در نظر شرکت نمیکند و تلاش پاسداران برای وادار کردن آنها به حایب نمیرسد. بناچار این بار با دانش آموزان هم انفرادی و هم بطور گروهی به بحث میپردازند که بی نتیجه باقی میماند.

پاسداران، بالاخره دست از بار درازتر و با شکستی مفتضحانه انروزمدرسه را ترک کردند که این خود باعث انفرادی با بیب آمدن روحیهی اعضای انجمن اسلامی و سایر جاسوسان رژیم درمد رسه شد. گرچه هنوز کلاسها توسط بچهها بلا تکلیفد و مبارزه برای بازگرداندن آنها به مدرسه با ادا مایه باد، ولی

اصال به لطف سرنیزه ی د ژیمان جسمی وری اسلامی و چنانیکارانی چون محمدی گیلانی و لا جوردی که فصل تا بستان را بطور لا ینقطع به اعدام مبارزین، و در میان آنها تعداد کثیری از دانش آموزان مبارز پرداختند. انجمنهای اسلامی از او با بصل مهربم جولان درمداری مشغول بودند. از همان ابتدا در بسیاری ازمدارس تفتیشی برقرار شد. درمدارس دخترانه این امر عمدتاً به بهانهی جستجو برای لوازم آرایش و درمدارس پسرانه به بهانهی یافتن سیگار دنبال شده است.

در بسیاری ازمدارس دخترانه، به دانش آموزان اخطار شده است که در صورت دیدن مشیدن بدین جناب اسلامی (درمد رسه و درراه مدرسه و مواقع دیگر) اخراج خواهند شد.

درمدارس متعدد دی از حمله چندین مدرسه مشهد و تهران) بردن کیف به مدرسه ممنوع گشته است و رگبیهی مدارس از ثبت نام دانش آموزان شناخته شده می هوا دار سازمانهای سیاسی خود داری به عمل آمده است.

در تعدادی ازمدارس، برخی از دانش آموزان را در سرکلاس رس با زداشت و به رندان بردماند. ولی علیرغم جوشیدید اختناق که رژیم زنجیر گسیختهی جمهوری اسلامی سعی در برقراری آن در مدارس دارد، مبارزات دانش آموزان بر علیه جاسوسان رژیم درمدارس ویرانی کسب مدد دازادی ادامه دارد. درربر به گزارش چندین نمونه از این مبارزات میپردازیم.



روز چهارشنبه آبان ۱۳۶۰ جاسوسان انجمن اسلامی دبیرستان پاسدار شهید (درمحل دبیرستان خوارزمی پسران واقع در تقاطع خیابان انا تول فرانس سابق و قدس کنونی) به کمیته خبر میدهند که شاگردان دبیرستان بطور منظم در سر کلاسها حاضر میشوند و هر زمان که مایلند مدرسه را ترک میکنند، و از کمیته برای برقراری "نظم" ییاری میخواهند.

حدود ۸ پاسدار کمیته برای استقرار حکومت انجمن اسلامی برمد رسه و کنترل اوضاع به مدرسه می آیند. در رنگ تفریح، هنگامیکه دانش آموزان صف می کشند، یکبار زبایدان به پشت بکند گسو میروند و برای دانش آموزان در راهی وظایف بیک دانش آموز مسلطان در شرایط کنونی سخنرانی و آنها را نصیحت میکنند و سپس تکبیر میگویند. ولی از جمع ۵۰ نفری دانش آموزان کسی پاسخ نمیدهد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا